

تأثیر عوامل اجتماعی بر روابط نسلی از دیدگاه دانشجویان دختر

صدیقه عباسی*

خدیجه سفیری**، امیرمسعود امیرمظاهری***

چکیده

این پژوهش «تأثیر عوامل اجتماعی بر روابط نسلی از دیدگاه دانشجویان دختر ۲۰ تا ۲۶ سال» در دانشگاه های دولتی شهر تهران را در سال ۱۳۹۵ مطالعه می کند. چارچوب نظری تئوری های «دگرگونی ارزشی اینگلهارت، رشدیافتگی سنی بنگستون، جهانی شدن گیدنز، تجربه نسلی مانهایم، تغییر در فرآیند جامعه‌پذیری مک لوهان» می باشد. روش پژوهش پیمایشی و جامعه آماری ۱۱۴۰۶ نفر است. اطلاعات از میان نمونه ۳۸۲ نفری جمع آوری شد. ضریب تعیین تعدیل یافته ($R^2 = 0.527$) نشان می دهد متغیرهای وارد شده به معادله ۵۲ درصد از واریانس تغییرات متغیر وابسته را تبیین می نمایند. ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده روابط نسلی نشان از معناداری متغیرهای «سبک زندگی، معاشرت با گروه همسالان، ارتباط و تعامل درون خانواده» در معادله رگرسیون دارد. براساس ضرایب تحلیل مسیر نیز، سبک زندگی با ضریب کل ۰.۵۷۴ و ارتباط و تعامل درون خانواده با ضریب کل ۰.۴۷۸ بیشترین تأثیر بر متغیر روابط نسلی را نشان می دهند.

یافته های کلی نشان می دهد در تبیین تفاوت بین نسل ها در سطح خرد در ویژگی شخصیتی دختران جوان و در سطح میانی به لحاظ جامعه‌پذیری و تعلیم و تربیت دگرگونی بوجود آمده و دختران جوان نسل تغییرطلب هستند و خانواده در مدیریت و کاهش تضاد نسلی نقش مداخله‌گری دارد.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،
sara.abbasi@alzahra.ac.ir

** استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، kh.safiri@alzahra.ac.ir

*** دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، a.amirmazaheri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

کلیدواژه‌ها: روابط نسلی، عوامل اجتماعی، سبک زندگی، معاشرت با گروه همسالان و ارتباط و تعامل درون خانواده.

۱. مقدمه و بیان مسئله

حافظه تاریخی جوامع مدعی است که یکی از مهمترین زمینه‌های ذهنی طرح مسائل اجتماعی، بالا رفتن سطح انتظارات و توقعات عمومی به سبب تحولات اجتماعی و نسبی شدن ارزش‌ها و هنجارهای گذشته است؛ و بی‌شک برجسته‌ترین بستر زایش این تحولات یعنی افزایش سطح انتظارات و توقعات، همچنین تقدس‌زدایی از ارزش‌ها و هنجارهای گذشتگان، تغییر نسلی می‌باشد. این پدیده به نوعی می‌تواند سرآغاز سست شدن سنت‌ها باشد.

همانطور که دورکیم می‌گوید در شهرها سنت با سست شدن شکسته می‌شود و بذر سست شدن سنت هم به محض آنکه پاشیده شد، نسل به نسل رشد بیشتری خواهد کرد. زیرا اصولی که مرجعیت و اقتدار خود را از دست داده باشند، با قدرت کمتری به نسل‌های آینده منتقل خواهند شد. در همین شهرهای بزرگ است که سنت‌ها کمتر از هر جای دیگری بر اندیشه‌ها و عواطف مردم تسلط دارند و جامعه به موازات گسترش یافتن و متراکم‌تر شدنش، تسلط کمتری بر فرد دارد.

مفهوم تفاوت نسلی نیز در زمره همین مقوله تمایزات و تفاوت‌های تجربی و پایدار میان دو جریان، دو رفتار معنا می‌شود. واحدهای نسلی به‌رغم تجربیات متفاوت و حتی متضاد با هم، در یک کلیت فرهنگی - اجتماعی خاص و با پیوستگی‌های کلان به یک ساختار مشخص به تعامل (توافق یا تعارض) با یکدیگر می‌پردازند. خانواده‌ها به عنوان گرانیگاه این تضادها و تفاوت‌ها بارزترین صحنه جدال بین فهم نسل گذشته (پدر و مادر) و فهم نسل جدید (فرزندان) از زندگی هستند. عرصه جدال فوق، حوزه تعاملی دو نسل را نیز شامل می‌شود، به این معنا که بخشی از تعامل درونی خانواده‌ها در شکل جدید، تعاملی همراه با تضاد و کشمکش است؛ برخلاف گذشته که ارتباطات، یکسره فرمانبردارانه بود.

موج مدرنیزاسیون و آموزش همگانی موجب افزایش دانستیها و آگاهی‌های عمومی نسل جدید شد و حوزه ارتباطات انسانی و اجتماعی آنها را وسیع‌تر نمود. طبیعی‌ترین نتیجه این فرایند این بود که نسل جدید، نسلی شد که اولاً بسیار باشتاب اجتماعی می‌گردید و ثانیاً در راه اجتماعی شدن، تنها منبع ارزش‌گذار او دیگر خانواده و سنت حاکم بر خانواده

نبرد. زیست‌جهان متفاوت نسل نو یا به تعبیر مانهایم تجربیات دگرگون آنان، که به سبب تحولات صنعتی و سپس اجتماعی- فرهنگی به وجود آمد، بین جهان‌بینی نسل جدید و نسل قدیم فاصله انداخت.

از طرفی دیگر، از دغدغه‌های همیشگی بشر و جوامع انسانی، حفظ فرهنگ و درعین حال تغییر و تحول فرهنگی بوده است. انسانها از سویی نیازمند به پیوستگی و همبستگی با گذشته تاریخی- اجتماعی خویش (مفهوم هویت جمعی) و از سوی دیگر در جستجوی انطباق ارزش‌ها و هنجارها با محیط و بهبود وضعیت خویش و جامعه خود (مفهوم تغییرات فرهنگی) بوده و هستند.

اگر در فرایند اجتماعی کردن کودکان، نوجوانان و جوانان، فرهنگ یک جامعه از یک نسل به نسل دیگر تا حد مطلوبی منتقل شود و بازتولید فرهنگی به بهترین شکل انجام گیرد، میزان اشتراکات فرهنگی بین دو نسل بالا می‌رود و اختلاف فاحشی بین دو نسل به وجود نمی‌آید. در این صورت، تفاهم بین نسل جدید و نسل قدیم برقرار می‌شود و بحران هویتی نیز برای نسل جدید روی نمی‌دهد. در مقابل، اگر فرایند اجتماعی کردن به علل درونی و بیرونی دچار مشکل شود و به طور ناقص انجام پذیرد و فرهنگ جامعه در حد مطلوبی به نسل بعد منتقل نشود، تداوم فرهنگی جامعه دچار مشکل می‌شود و بین نسل جدید و قدیم فاصله و شکاف می‌افتد. نمود چنین وضعیتی در خانواده، ضعف رابطه فکری، عاطفی و احساسی بین والدین و فرزندان و کاهش و گاهی عدم تفاهم و درک متقابل آنهاست.

با توجه به اهمیت روابط نسلی و اهمیت ارتباط و تعامل در خانواده‌ها، این پژوهش درصدد بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر روابط نسلی از دیدگاه دانشجویان دختر می‌باشد و به دنبال پاسخگویی به پرسشهای «روابط بین نسلی والدین و دانشجویان دختر از چه نوعی است؟ عوامل تأثیرگذار بر روابط نسلی چیست؟ آیا می‌توان گفت که روابط نسلی متأثر از عوامل اجتماعی است؟» می‌باشد.

۲. پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی

آزاد ارمکی، زند و خزایی (۱۳۸۲) در پژوهش "بررسی تحولات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل گذشته" به بررسی روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی پرداختند. نتایج به دست آمده نشان داد که اولاً نگرش‌های افراد در خانواده نسبت به همه

مسائل تغییر کرده؛ ثانیاً در میان مردم تهران هنوز خانواده به عنوان امر جدی اجتماعی تلقی شده و در جهت حفظ و بقای آن تلاش می‌گردد؛ ثالثاً تفاوت‌های موجود در درون خانواده‌ها بر اساس شکل‌گیری تمایزپذیری نسلی قابل فهم‌تر می‌باشد. یعنی تحولات خانواده با وجود نسل جدید در کنار نسل‌های دیگر در جهت انطباق‌پذیری با شرایط جدید اجتماعی فرهنگی ایران و جهان است. خدیجه سفیری و سیده عقیده محمدی (۱۳۸۴) در پژوهش "هویت جنسیتی مادران و دختران، شکاف یا تفاوت؟" از تلفیق دیدگاه‌های گیدنز، بوردیو، مانهایم و اینگلهارت بهره بردند. نتایج بدست آمده نشان داد که نگرش مادران به هویت جنسیتی بیشتر سنتی و نگرش دختران مدرن است. در حوزه وظایف خانگی، دختران بیشتر برابری زن و مرد را مطرح نموده و مادران به کلیشه‌های فرهنگی پایبندتر بوده‌اند. با بالا رفتن تحصیلات مادران نگرش سنتی آنان کم و با تأهل دختران نگرش آنها بیشتر سنتی می‌شود. باقر ساروخانی و مجتبی صدیقی فرد (۱۳۸۸) در مقاله "شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها" به شناخت وضع موجود در زمینه شکاف نسلی و بررسی و تحلیل عواملی که شکاف بین نسلها در خانواده معلول آن است؛ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد در عرصه ارزش‌های خانوادگی تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای میان نسل‌ها وجود ندارد و کمابیش نوعی وفاق جمعی در رابطه با ارزش‌ها، میان نسل جوان و بزرگسال جامعه دیده می‌شود. یعقوب احمدی و بیتا حامد (۱۳۹۰) در پژوهش "سنجش وضعیت تفاوت نسل‌ها در ابره‌های فرهنگی، اجتماعی (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)" در پی واکاوی وضعیت رابطه نسلی در شهر کرمانشاه برآمدند. یافته‌ها نشان داد که تفاوت دو نسل در مقوله‌های نوگرایی، مادینگرایی / فرامادینگرایی، نگرش به زنان و خانواده معنی‌دار بوده و این نسل جوان است که در هر چهار مقوله رتبه بالاتری کسب کرده است. علی ربانی و عاطفه محمدزاده یزد (۱۳۹۲) پژوهش "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی ارزشی در منطقه ۹ شهرداری مشهد با تأکید بر ارزش‌های دینی" را انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که مادران و دختران در جامعه آماری، دارای گرایش‌های متفاوت به ارزش‌های دینی هستند. اما تفاوت میانگین ارزش‌های دینی بین مادران و دختران آنقدر نیست که بتوان معنای شکاف نسلی را استخراج کرد. در واقع بین این دو نسل تفاوت نسلی ارزشی حاکم است نه شکاف. شمسی جولانی و امیرمسعود امیرمظاهری (۱۳۹۳) پایان‌نامه "بررسی مردم‌شناختی شکاف نسلی نزد مادران و دختران با تکیه بر رویکرد مارگرت مید مطالعه موردی منطقه ۵ تهران و شهرستان

اسلامشهر" را در چهار حوزه پژوهشی اجتماعی، فرهنگی، ارتباطی و دینی - مذهبی انجام داده و در پی آن بودند که آیا اختلاف نسل‌ها موجب شکاف و یا گسست نسلی بوده یا خیر؟ طبق پژوهش انجام شده در جامعه مورد بررسی تفاوت بین گروه‌های سنی و منطقه‌ای مشاهده می‌شود، اما این تفاوت به اندازه‌ای نیست که به شکاف نسلی منجر شده باشد. پروانه دانش، زهرا ذاکری نصرآبادی و عظیمه سادات عبداللهی (۱۳۹۳) در مقاله "تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران" به تحلیل داده‌های تجربی به منظور شناخت وضعیت شکاف نسلی در جامعه کنونی ایران، با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های موج پنجم پیمایش ارزش‌های جهانی پرداختند. نتایج نشان داد گرایش نوجوانان و جوانان به ارزش‌های مدرن و احساس بحران هویت ناشی از جداافتادگی آنها از نسل‌های پیشین به مرور افزایش یافته است و در صورت نبود مدیریت صحیح از سوی دولت و رسانه‌ها، تعارضات نسلی و در نهایت گسست نسلی آینده مسیر توسعه جامعه را به مخاطره خواهد انداخت.

جاکوبسن و همکارانش (۱۹۷۵) در یافته‌های خود، تمایزی بین عوامل اجتماعی - اقتصادی با عدم توافق والدین - فرزندان دریافتند. اختلاف والدین - فرزندان در خانواده‌های با خاستگاه طبقاتی پایین (طبقه کارگر) بیشتر است. به نظر آنها بین پدران با تحصیلات بالا و فرزندانشان اختلاف قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. به این دلیل که پدران دارای تحصیلات دانشگاهی، اغلب بدون استثنا دارای شیوه‌ی تربیتی سختگیرانه نسبت به ضوابط اخلاقی می‌باشند. آنها معتقدند که عدم توافق فرزندان مؤنث کمتر است و استدلال می‌کنند که دختران نسبت به پسران توافق بیشتری با خانواده خود دارند. اسکونفلوگ (۲۰۰۱) در پژوهشی، به این نتیجه رسید که فرایند انتقال فرهنگی نمی‌تواند به صورت پایدار در نسل‌های متوالی حادث شود، بلکه انتقال فرهنگی، بین انتقال کامل (بدون هرگونه تفاوت بین والدین و فرزندان) و انتقال کاملاً ناقص (بدون هیچگونه تشابه بین والدین و فرزندان) قرار دارد. به نظر او تحصیلات آثار مثبتی بر انتقال ارزش‌ها دارد. با افزایش سواد، پدران الگوهای شایسته‌ای برای فرزندانشان هستند و الگوی شایسته بودن به شدت به انتقال منجر خواهد شد. واس و کراکت (۲۰۰۵) نشان دادند که حدود نیمی از دینداری والدین به طور موفقیت‌آمیز منتقل می‌شود. جوانان در رعایت اصول و اعتقادات مذهبی تفاوت زیادی با والدینشان ندارند. والدینی که غیرمذهبی هستند این فقدان مذهب را منتقل می‌کنند و والدینی که مذهبی هستند تا حدود

۵۱ درصد شانس انتقال ایمانشان وجود دارد. ژانگ (Y. B. Zhang) (۲۰۰۷) در تحقیقی عوامل آغازین تضاد بین نسلی در چین را با استفاده از گزارش‌های مکتوب جوانان بزرگسال بررسی و با استفاده از تحلیل محتوا، پنج دسته عمده از عواملی که موجب تضاد بین نسلی می‌شوند را شناسایی کرد؛ از جمله انتقاد مسن‌ها از جوانان که بیشترین فراوانی را داشتند، مطالبات غیرقانونی (نامعقول)، و بی‌اعتنایی به جوانان از طرف افراد مسن خارج از خانواده نسبت به افراد مسن خانواده بیشتر بوده است، اما در حوزه انتقاد افراد مسن به جوانان یا جوانان به افراد مسن و تقاضاهای نامعقول تقریباً چنین تفاوتی در خانواده و خارج از آن مشاهده نشد. دنیس و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله "تعارضات بین نسلی میان لاتینی‌ها در اوایل دوره بلوغ: پراکندگی تعارضات ارزشی با والدین در نتیجه تعارضات فرهنگی" بیان می‌کنند تعارضات بین نسلی اغلب یک بخش عادی در فرایند بلوغ تلقی می‌شود. تعارض با والدین از ابتدای دوره بلوغ شروع می‌شود و در اواسط دوره بلوغ به اوج خود می‌رسد و در اواخر دوره بلوغ به تدریج کم می‌شود. میلر و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی ارتباط بین هویت دینی و شبکه‌های اجتماعی در آمریکا پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که شبکه‌های اجتماعی باعث خصوصی شدن هویت دینی و سکولاریزه شدن آن در بین جوانان می‌شود. فرهمند و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش "جهانی شدن فرهنگ و بازانندیشی هویت اجتماعی" نشان دادند بین فناوریهای نوین ارتباطی و بازانندیشی هویت اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد به نحوی که با افزایش استفاده از فناوریهای نوین ارتباطی میزان بازانندیشی در هویت اجتماعی افزایش پیدا می‌کند.

همانگونه که مشاهده می‌شود هر یک از پژوهشگران از دیدگاه خاصی روابط نسلی را بررسی کرده و به دیدگاه‌های متفاوتی در این حوزه نائل شده‌اند که می‌توان آنها را به چهار دسته زیر تقسیم کرد:

۱. دیدگاهی که از وجود شکاف نسلی دفاع می‌کند.
۲. دیدگاهی که به تفاوت نسلی قائل است و وجود شکاف عمیق نسلی را یک توهم و خیال می‌داند که به غلط توسط وسائل ارتباط جمعی به مردم تحمیل شده است.
۳. دیدگاهی که مسئله‌ی اصلی را گسست فرهنگی می‌داند نه گسست نسلی.
۴. دیدگاهی که با بیم و امید به این پدیده نظر دارد و معتقد است اگر شرایط فعلی مدیریت نشود پتانسیل گسترش تفاوت نسلی را تا سرحد شکاف نسلی دارد.

با مروری بر پیشینه تحقیق ملاحظه می شود که تحقیقات در خارج از کشور اکثراً در چهارچوب نظام فرهنگی و قومی خاصی به پدیده ی مورد نظر توجه داشته اند که این امر قدرت تعمیم دهی این پژوهش ها را برای جوامع دیگر کاهش می دهد. در پژوهش های داخلی نیز علی رغم گستردگی پژوهش ها تنوع تئوریکی در آنها ناچیز است. علاوه براین هیچ یک به طور خاص به مطالعه دیدگاه دختران جوان نپرداخته و اغلب مقایسه ای انجام شده اند.

با توجه به تحقیقات صورت گرفته هم در داخل و هم در خارج از کشور، نهاد خانواده از مهمترین نهادهایی است که اکثر پژوهش ها به نقش تبیین کنندگی آن در روابط نسلی توجه و اشاره داشته اند که سبکهای تربیتی خانواده و انتخاب آنها از سوی جوانان به عنوان منبع شناخت تأثیر زیادی دارد و از آنجا که دختران این مرز و بوم مادران فردای جامعه هستند و در تربیت نسل بعدی و انتقال فرهنگی در جامعه نقش اساسی خواهند داشت، آشنایی با نقطه نظرات آنان در روابط نسلی مهم می باشد. لذا پژوهش حاضر از این نظر بدیع است که محقق با بهره گیری از چهارچوب نظری مناسب از پنجره نگاه دختران دانشجوی جوان به مطالعه معنای تفاوت نسلی و نوع و تیپ شناسی آن می پردازد و ضمن آشنایی با دیدگاه دانشجویان دختر نوع روابط نسلی در جامعه نمونه را شناسایی و میزان اثرگذاری عوامل اجتماعی بر روابط نسلی را سنجیده و مشخص نماید چه شاخص های اجتماعی بیشترین تأثیر را بر روابط نسلی دارند. این امر مهمی است که معنای تفاوت نسلی از زبان دختران جوان شنیده شود و با در نظر گرفتن تصویر آنها براساس تصویری کامل تر و خردمندانه تر برنامه ریزی شود.

۳. ادبیات نظری

رونالد اینگلهارت در تحقیق "تحول فرهنگی در جامعه ی پیشرفته صنعتی" به شیوه پیمایشی به تدوین تئوری فرامادی گرایی پرداخت. به زعم وی خیزش فرامادی گری به تنهایی یک جنبه از فراگرد گسترده ی دگرگونی فرهنگی می باشد که به گرایش های مذهبی، نقش های جنسیتی، هنجارهای جنسی و هنجارهای فرهنگی جوامع صنعتی شکل نوینی بخشیده است. اینگلهارت با ترکیب دو عامل فرضیه کمیابی و فرضیه اجتماعی شدن به بررسی تحولات بین نسلی می پردازد و معتقد است این دو عامل در بلند مدت دارای اثراتی است که از آن به عنوان تحولات نسلی در نگرش ها، ارزش ها، هنجارها و سلیق یاد می کند تا

جایی که او معتقد است در دگرگونیهای وسیع در میان نسل‌ها یک جهان بینی جای خود را به جهان بینی دیگری می‌سپارد. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۳)

ورن بنگستون با بررسی ارزش‌های اساسی در خانواده، اثرات نسلی را در اعقاب سه نسل پدر و مادر بزرگ‌ها، پدر و مادرها و جوانان مورد بررسی قرار داده است و در مطالعه خود نهایتاً به ارزش‌های انسان‌گرایانه در مقابل ارزش‌های مادی‌گرایانه و ارزش‌های فردگرایی در برابر جمع‌گرایی رسیده است. به اعتقاد بنگستون دامنه انتخاب‌های افراد در قضاوت‌های ارزشی میان نسل‌ها و ارزش‌های فردگرایانه و جمع‌گرایانه متفاوت است. وی با استفاده از نظریه اجتماعی نقش جامعه‌پذیری ارزشی در ثبات و تغییرات اجتماعی به تداوم و تداوم نداشتن ارزش‌های نسلی می‌پردازد. به اعتقاد او خانواده بطور معمول مهمترین مکانیسم در جامعه‌پذیری ارزشها می‌باشد. لیکن نفوذ گروه همسالان و همکلاسی‌ها در خارج از خانواده نظیر مدرسه و یا وقایع تاریخی و اجتماعی به شیوه‌ای خاص در جامعه‌پذیری جوانان به عنوان عوامل دیگر تعیین‌کننده گرایشهای ارزشی مؤثر است. (بنگستون ۱۹۷۰: ۳۵۸)

کارل مانهایم (۱۸۹۳-۱۹۴۷) بیشتر به تجربه نسلی تکیه می‌کند و معتقد است که هر نسلی دارای تجربیات متفاوت از نسل قبل خود می‌باشد (مثل کسانی که در یک دوره جنگ می‌کنند) که هر چند در طبقات مختلف هستند و آگاهی‌های مختلفی دارند ولی رویکرد و موضع‌گیری مشترکی دارند که از تجربه مشترک آنها حاصل می‌شود. وی بین همزیست‌ها و همزمان‌ها تمایز قائل می‌شود و همزمان‌ها را واحد نسلی با ویژگیهای زیر می‌نامد:

۱. دارای محل مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی هستند.
۲. سرنوشت و علقه مشترک یا واحد بر اساس تجربه مشترک دارند.
۳. دارای هویت واحد بر اساس تجربه مشترک هستند. (مانهایم، ۱۳۸۰: ۷۹)

مانهایم با عمده کردن نظریه «تعیین وجودی معرفت» به تبیین مسئله شکاف نسلی در زمینه نگرش‌ها و گرایش‌های گوناگون دو نسل می‌پردازد. وی معتقد است که واقعیت تعلق داشتن به یک طبقه و یک نسل و یا گروه سنی به افراد متعلق به این مقولات، موقعیت مشترکی در فراگرد تاریخی و اجتماعی می‌دهد. پهنه تجربه بالقوه آنها را به صورت خاص محدود می‌سازد و آنها را به یک نوع شیوه فکری و تجربه خالص و یک نوع کنش تاریخی ویژه این موقعیت متمایل می‌کند. (مانهایم، ۱۹۵۲: ۲۹۱)

گیدنز اختلاف بین نسل‌ها را در واقع نوعی به حساب آوردن زمان در جامعه مدرن می‌داند. وی علاوه بر عنصر زمان به فرار بودن جامعه به عنوان ویژگی جوامع متجدد و نیز نوعی مرخص شدن از گذشته توجه دارد. گیدنز منشأ دگرگونی فرهنگی را تضاد بین سنت و مدرنیته و به تبع تقابل بین اختیار و خطرپذیری می‌بیند. به عقیده وی ویژگی مدرنیته «پویایی»، «تأثیر جهان‌گستر» و «تغییر دائمی رسوم سنتی» است. مدرنیته سبب می‌شود که افراد هر چه بیشتر از قید انتخاب‌هایی که معمولاً سنت در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد رها شوند. بدین ترتیب فرد در مقابل طیف متنوعی از انتخاب‌های ممکن قرار می‌گیرد. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۵).

۴. چهارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش براساس «تئوری دگرگونی ارزشی اینگلهارت، نظریه رشد یافتگی سنی بنگستون، جهانی شدن گیدنز، تعیین وجودی معرفت و تجربه نسلی مانهایم و تغییر در فرایند جامعه‌پذیری مک لوهان» تدوین شده است. از میان جامعه‌شناسان معاصر رونالد اینگلهارت در حوزه ی جامعه‌شناسی ارزش‌ها، بر محوری بودن نسل تأکید کرده و دارای دیدگاه نسلی است. وی معتقد است که خیزش سطوح توسعه ی اقتصادی، سطوح بالاتر آموزش، اشاعه ی رسانه های جمعی و برخاستن دولت رفاه منجر به تغییر در مهمترین ارزش‌ها می‌شود. در نظر اینگلهارت صنعتی شدن بر اغلب عناصر دیگر جامعه تأثیر می‌گذارد. این تئوری معتقد است صنعتی شدن پیامدهای مختلفی از جمله در حوزه ی فرهنگی (تغییر بین نسلی) داشته است. تغییر از جامعه ی ماقبل صنعتی به جامعه ی صنعتی سبب تغییراتی در تجربه افراد و دیدگاه آنان شده است. پیدایش جامعه فراصنعتی، محرک پیدایش و گسترش دیدگاه های جهانی می‌گردد. افزایش تحصیلات رسمی افراد و تجارب شغلی آنها به افراد کمک می‌کند که استعدادهایشان را جهت تصمیم گیری مستقل افزایش دهند. بنابراین، پیدایش جامعه فراصنعتی منجر به افزایش و تأکید بیشتر بر خودابزاری می‌گردد.

اینگلهارت در تئوری «دگرگونی ارزشی» بیان می‌نماید که در اثر توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی، تحول در ارزش های مادی انسان های این جوامع رخ داده، به گونه ای که روند این تحول، حرکت از ارزش های مادی به ارزش های فرامادی را نشان می‌دهد. در واقع نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت، جابجایی از اولویت های مادی به

سمت اولویت های فرامادی را به طور بالقوه، فرایندی جهانی می داند؛ یعنی هر کشوری که از شرایط ناامنی اقتصادی به سوی امنیت نسبی حرکت می کند، الزاماً این فرایند در آن روی می دهد. این امر به روشنی نشانگر رابطه میان توسعه اقتصادی و دگرگونی ارزشی است. وی با ترکیب فرضیه کمیابی و فرضیه اجتماعی شدن به بررسی تحولات بین نسلی می پردازد و تئوری فرامادیگرایی را بیان می نماید؛ اثرات این دو عامل در جامعه ما به عنوان تحولات نسلی در نگرش ها، ارزش ها، هنجارها و سلايق نمایان شده تا جایی که در بخشی از جامعه شاهد دگرگونیهای وسیع در میان دو نسل هستیم. اولویت ارزشی فرد تحت تأثیر محیط اجتماعی - اقتصادی که وی در طول سالهای پیش از بلوغ در آن به سر می برده شکل می گیرد و با تغییر شرایط محیطی، اولویت های ارزشی نسل جوان با نسل قبل متفاوت خواهد شد.

در جامعه پذیری جوانان جامعه نیز همانگونه که بنگستون اشاره می نماید علاوه بر تأثیر خانواده به عنوان مهمترین مکانیسم، نفوذ گروه همسالان و همکلاسی ها در خارج از خانواده نظیر مدرسه و وقایع تاریخی و اجتماعی به شیوه ای خاص را به عنوان عوامل دیگر تعیین کننده و مهم، شاهد هستیم. بنگستون و گلاس در نظریه رشدیافتگی سنی این ادعا را مطرح می کنند که والدین و فرزندان سرمایه گذاری های متفاوتی در زمینه روابط خانوادگی می کنند و همچنان که در دوره زندگی حرکت می کنند، منابع متفاوتی از قدرت در تعامل خانوادگی دارند. فرزندان در اواخر نوجوانی ممکن است کمتر مثل والدینشان باشند و ممکن است با وظایف رشدی، استقلال و متفاوت شدن از والدین مواجه شوند. چنین فرآیندهایی تفاوت های نسبتاً بزرگی را بین گرایش های والدین و فرزندان ایجاد می کند و از تأثیر انتقال ارزش ها در خانواده جلوگیری می کند.

در جایی دیگر مانهایم تجربه نسلی را مطرح نموده و معتقد است هر نسلی دارای تجربیات متفاوت از نسل قبل خود می باشد هر چند در طبقات مختلف هستند و آگاهی های مختلفی دارند ولی رویکرد و موضع گیری مشترکی دارند که از تجربه مشترک آنها حاصل می شود. از طرفی در جامعه شاهد تضاد بین سنت و مدرنیته می باشیم که منشأ دگرگونی فرهنگی شده و یادآور نظریات گیدنز در باب مدرنیته و جهانی شدن است. «پویایی»، «تأثیر جهان گستر» و «تغییر دائمی رسوم سنتی» که از ویژگی های مدرنیته است سبب می شود که افراد از قید انتخاب هایی که معمولاً سنت در اختیار آنها قرار می دهد رها شوند. بدین ترتیب فرد در مقابل طیف متنوعی از انتخاب های ممکن قرار می گیرد.

در کشور ما ورود فناوری‌های جدید جامعه را تغییر داده است و جوانان به دلیل نوگرایی و آمادگی برای پذیرش تازگی‌ها، بیشتر از افراد مسن که افکار و عقایدشان شکل گرفته، تحت تأثیر این تغییرات قرار گرفته و جذب تغییراتی چون نحوه ارتباطات، مد، سیاست و الگوپذیری غیرفرهنگی خود (نابهنجاری) شده‌اند. براساس این رویکرد همانگونه که مک لوهان اشاره می‌کند تحولات سریع تکنولوژیکی در حوزه اطلاعات و ارتباطات و دسترسی گسترده نسل جوان به رسانه‌هایی مانند ماهواره و اینترنت آن‌ها را در موقعیت متفاوتی با نسل پیشین قرار داده و بر سبک زندگی آنان تأثیر می‌گذارد. سرعت این تحولات، زندگی، رشد و بلوغ جوان را تحت تأثیر قرار داده و روند جامعه‌پذیری را کاملاً دگرگون کرده است. اگر در گذشته روند جامعه‌پذیری عمدتاً توسط خانواده، مدرسه و نهادهایی انجام می‌شد که عناصری از نسل پیشین همچون پدر، مادر، معلم، واعظ و معتمد در این انتقال فرهنگی نقش ایفا می‌کردند، دسترسی گسترده به امکانات نوین تکنولوژیکی، نسل جدید را در جریان تحولات تازه‌ای قرار می‌دهد، بدین ترتیب با تغییر مبانی ورود گزاره‌های ارزشی، نظام ارزشی این نسل نیز متفاوت از نسل پیشین می‌گردد.

۵. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه کلی: بین عوامل اجتماعی و روابط نسلی (تفاوت/ شکاف) رابطه وجود دارد.

۱.۵ فرضیه‌های جزئی

۱. بین پایگاه اجتماعی والدین و روابط نسلی (تفاوت/ شکاف) رابطه وجود دارد.
۲. بین سبک زندگی و روابط نسلی (تفاوت/ شکاف) رابطه وجود دارد.
۳. بین معاشرت با گروه همسالان و روابط نسلی (تفاوت/ شکاف) رابطه وجود دارد.
۴. بین محل سکونت و روابط نسلی (تفاوت/ شکاف) رابطه وجود دارد.
۵. بین ارتباطات و تعاملات درون خانواده و روابط نسلی (تفاوت/ شکاف) رابطه وجود دارد.

۶. تعریف مفاهیم

۱.۶ خانواده

خانواده یک گروه نهادی شده زیستی - اجتماعی متشکل از چند فرد بالغ است که دست کم دو تای آنها بدون داشتن پیوند خونی و از جنس مخالف ازدواج کرده باشند. فرزندان نیز زاده پیوند افراد بالغ اند. (گولد، ۱۳۷۶: ۳۸۱).

۲.۶ ارزش‌ها

الگویی اجتماعی هستند که در حد پذیرش‌شان توسط گروهی از افراد، مبنایی برای ایجاد انتظارات مشترک و معیاری برای هدایت و تنظیم رفتار فراهم می‌کنند. (جانسون، ۱۳۶۱: ۳۷).

۳.۶ هنجارها

ارزش‌ها، آرمانهای انتزاعی هستند، حال آنکه هنجارها اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آنها را رعایت کنند. هنجارها نشان دهنده باید و نبایدها در زندگی اجتماعی هستند. (گیدنز، ۱۳۷۶: ۳۶؛ رابرتسون، ۱۳۷۴: ۶۴).

۴.۶ نگرش

نوعی آمادگی در فرد است که احساسات و تمایلات خاصی را در وی برانگیخته و فرد را به انجام رفتاری خاص وامی‌دارد. (اوپنهایم، ۱۳۶۹: ۱۲۴).

۵.۶ سبک زندگی (Lifestyle)

سبک زندگی بیشتر به حوزه‌ی زندگی اجتماعی انسان‌ها نزدیک است. مثلاً بورديو بر این باور است که سبک زندگی شامل اعمال طبقه بندی شده و طبقه بندی کننده فرد در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات شبانه روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه های معاشرت، آداب سخن گفتن، راه رفتن، نوع پوشش، نوع خوراک و ... محسوب می‌شود. (بورديو: ۱۹۸۴)

۶.۶ روابط نسلی

در روابط نسلی صحبت از ارتباط بین نسل‌های متفاوت و خواسته‌هایی است که هر نسل از دنیای خارج دارد. هر نسل به دلیل بودن در یک زمان مشترک و دارا بودن وسایل، امکانات و علوم نسبتاً یکسان، از خواسته‌های نسبتاً مشترکی برخوردار است، زمانی که افراد یک نسل به سن ازدواج رسیده و متاهل و دارای فرزند می‌شوند، معمولاً فرزند آنها در نسلی متفاوت از نسل خود آنها متولد می‌شود و همانطور که آنها و هم‌نسلی‌هایشان خواسته‌های خاصی را داشته‌اند حال فرزند آنها هم خواسته‌های مختص نسل خود را دارد که ممکن است با خواسته‌های والدین خود متفاوت باشد. این تفاوت ممکن است به دو شکل باشد:

الف) هم جهت با خواسته‌ها و ایده آل والدین

ب) در جهت عکس و متضاد با خواسته‌ها و ایده آل والدین. (کفاشی: ۱۳۹۴، ۷۰)

۷.۶ نسل، شکاف نسلی و تفاوت نسلی

نسل عبارت است از مجموعه‌ای از انسانها که در ابژه‌های نسلی با یکدیگر سهیم شده و آن ابژه‌ها را به خوبی درک کرده‌اند و در نتیجه اکنون بینشی درمورد واقعیت اجتماعی برای خود به وجود می‌آورند (بالس، ۱۳۸۰: ۹). شکاف نسلی در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد به معنی شکست یا ناتوانی نسل جوان و مسن‌تر برای درک یکدیگر است. (wehmeier et al, 2000: 535) شکاف نسلی هنگامی محقق می‌شود که واحدهای نسلی شکل بگیرد.

۷. روش پژوهش

روش پژوهش کمی و پیمایشی است. جامعه آماری دختران دانشجوی ۲۶-۲۰ ساله دانشگاه‌های دولتی شهر تهران (با تأکید بر دانشگاه الزهرا (س) و دانشگاه علامه طباطبائی) با تعداد ۱۱۴۰۶ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری احتمالی و تعیین حجم نمونه از طریق فرمول کوکران می‌باشد که تعداد ۳۷۲ نفر بدست آمد؛ اما برای اطمینان بیشتر میان ۳۸۲ نفر پرسشنامه توزیع و اطلاعات جمع‌آوری شد.

سپس تأثیر متغیر مستقل عوامل اجتماعی با شاخص‌های: (۱. پایگاه اجتماعی والدین شامل: درآمد، تحصیلات، شغل؛ ۲. سبک زندگی شامل: سستی و مدرن؛ ۳. محل زندگی: در سطوح بالا، متوسط و پایین؛ ۴. معاشرت با گروه همسالان شامل: مرجع قرار دادن همالان برای تصمیم‌گیریها، سپری کردن بیشترین زمان با همسالان؛ ۵. ارتباط و تعامل درون خانواده: در سه سطح زیاد، متوسط و کم) بر متغیر وابسته روابط نسلی (تفاوت/ شکاف) با شاخص‌های: (۱. تفاوت دانشی شامل: تفاوت در برخورداری از اطلاعات علمی و عمومی؛ ۲. تفاوت گرایشی شامل: تفاوت ارزشی، تفاوت در اعتقادات دینی، تفاوت در باورها؛ ۳. تفاوت رفتاری شامل: تفاوت در ادبیات و گفت‌وگو، تفاوت در پوشش و تفاوت در آداب معاشرت اجتماعی) بررسی گردید. جهت بررسی پایایی ابزار پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقادیر بدست آمده اعتبار پرسشنامه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. بررسی اعتبار کل پرسشنامه

مقدار آلفای کرونباخ	عوامل اجتماعی با شاخص‌های:
۰/۷۳۳	سبک زندگی (سستی و مدرن)
۰/۷۴۸	معاشرت با گروه همسالان
۰/۸۳۸	ارتباط و تعامل درون خانواده

با استفاده از آمار توصیفی جداول آماری و نمودار ستونی (شاخص‌های فراوانی، درصد فراوانی، درصد تراکمی و ...) سال تولد، وضعیت تأهل، وضعیت تحصیلات، وضعیت تحصیلی، شغلی پدر و مادر، درآمد و ... مورد بررسی قرار گرفتند. در شیوه استنباطی نیز ابتدا به کمک آزمون کلموگروف اسمیرنوف با توجه به تعیین آماره‌های آزمون و سطح معنی‌داری، چولگی و کشیدگی نرمالیتت توزیع متغیرهای مورد بررسی تعیین و با اطمینان ۹۵٪ توزیع متغیرها نرمال تعیین شد و از آزمون‌های پارامتریک جهت بررسی فرضیه‌ها و از آزمون همبستگی پیرسون جهت تعیین وجود رابطه بین متغیرها استفاده کردیم. همچنین مدل تحقیق مورد نظر از طریق رگرسیون چندمتغیره بررسی و در انتها نیز از طریق تحلیل مسیر تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر روابط نسلی سنجیده شد.

۸. یافته‌های پژوهش

با توجه به اطلاعات جداول آماره های توصیفی متغیرها میانگین، مینیمم و ماکزیمم سال تولد پاسخگویان ۱۳۷۲، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۷ می باشد و استان تهران با تعداد ۱۳۰ پاسخگو بیشترین فراوانی و شهرکرد با ۱ نفر کمترین فراوانی را دارد. ۲۶۳ نفر (۶۸.۸ درصد) از پاسخگویان (اکثریت) محل زندگیشان منطقه متوسط شهرشان بوده و برحسب وضعیت تاهل ۳۲۱ نفر (۸۴.۰ درصد) از پاسخگویان مجردند. از نظر تحصیلات و شغل پدر و مادر پاسخگویان ۱۲۹ نفر پدرشان دیپلمه (۳۳.۹ درصد) و ۱۶۳ نفر (۴۳.۸ درصد) از پدران شغل آزاد، همچنین ۱۴۶ نفر از مادران پاسخگویان (۳۸.۳ درصد) دیپلمه و ۳۰۲ نفر (۷۹.۱ درصد) از مادران خانه دارند. خانواده ۹۰ نفر (۲۳.۶ درصد) از پاسخگویان بیش از ۳ میلیون تومان درآمد (دارای بیشترین فراوانی) و خانواده ۳ نفر (۰.۸ درصد) از پاسخگویان درآمد مشخصی ندارند. (کمترین فراوانی)

در قسمتی از پژوهش که از دانشجویان خواسته شد نظرشان را راجع به ویژگیهای والدین خود و ویژگیهای خانواده مطلوب بیان نمایند اکثریت دانشجویان دختر از خانواده خود رضایت داشته و خانواده گرم و صمیمی که در آن گفتگو و معاشرت های جمعی زیاد باشد را مطلوب ارزیابی کردند.

براساس اطلاعات جداول تفکیک نمونه بر حسب سوالات متغیر عوامل اجتماعی و روابط نسلی اطلاعات ذیل حاصل شد:

جدول ۲. بررسی متغیر سبک زندگی در جامعه نمونه

سبک زندگی	فراوانی	درصد فراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
مدرن	۵۶	۱۴.۷	۱۴.۷
متوسط	۳۰۹	۸۰.۹	۹۵.۵
سستی	۱۷	۴.۵	۱۰۰.۰
جمع	۳۸۲	۱۰۰.۰	

*اکثریت جامعه نمونه در سطح متوسط می باشند.

جدول ۳. بررسی متغیر معاشرت با گروه همسالان در جامعه نمونه

معاشرت با گروه همسالان	فراوانی	درصدفراوانی نسبی	درصدفراوانی تجمعی
کم	۲۲	۵.۸	۵.۸
متوسط	۲۸۸	۷۵.۴	۸۱.۲
زیاد	۷۲	۱۸.۸	۱۰۰.۰
جمع	۳۸۲	۱۰۰.۰	

*اکثریت جمعیت نمونه در سطح متوسط می باشند

جدول ۴. بررسی متغیر ارتباط و تعامل درون خانواده

ارتباط و تعامل درون خانواده	فراوانی	درصدفراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
کم	۱۵	۳.۹	۳.۹
متوسط	۱۰۸	۲۸.۳	۳۲.۲
زیاد	۲۵۹	۶۷.۸	۱۰۰.۰
جمع	۳۸۲	۱۰۰.۰	

*اکثریت جمعیت نمونه در سطح زیاد می باشند.

جدول ۵. بررسی متغیر تفاوت دانشی در جامعه نمونه

تفاوت دانشی	فراوانی	درصدفراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
کم	۱۹	۵.۰	۵.۰
متوسط	۳۲۳	۸۴.۶	۸۹.۵
زیاد	۴۰	۱۰.۵	۱۰۰.۰
جمع	۳۸۲	۱۰۰.۰	

*اکثریت جمعیت نمونه در سطح متوسط می باشند.

جدول ۶. بررسی متغیر تفاوت گرایش در جامعه نمونه

تفاوت گرایش	فراوانی	درصدفراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
کم	۹	۲.۴	۲.۴
متوسط	۳۷۰	۹۶.۹	۹۹.۲
زیاد	۳	۰.۸	۱۰۰.۰

تأثیر عوامل اجتماعی بر روابط نسلی از دیدگاه دانشجویان دختر ۱۴۹

جمع	۳۸۲	۱۰۰.۰
-----	-----	-------

※ اکثریت جمعیت نمونه در سطح متوسط می باشند.

جدول ۷. بررسی متغیر تفاوت رفتاری

تفاوت رفتاری	فراوانی	درصد فراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
کم	۱۴۵	۳۸.۰	۳۸.۰
متوسط	۲۲۳	۵۸.۴	۹۶.۳
زیاد	۱۴	۳.۷	۱۰۰.۰
جمع	۳۸۲	۱۰۰.۰	

※ اکثریت جمعیت نمونه در سطح متوسط می باشند.

در بررسی فرضیه‌های تحقیق و تعیین رابطه بین متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

فرض کلی: بین عوامل اجتماعی و روابط نسلی رابطه معناداری وجود دارد.
 نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که مقدار همبستگی بین دو متغیر عوامل اجتماعی و روابط نسلی ۰.۷۱۹ با سطح معنی داری ۰.۰۰۰ (کمتر از ۰.۰۵) می باشد؛ بنابراین بین دو متغیر عوامل اجتماعی و روابط نسلی رابطه مثبت معنادار وجود دارد، در نتیجه فرض صفر (فرض استقلال دو متغیر) رد شده و فرضیه اول پژوهش تأیید می گردد.
 [r=0.719, p=0.000]

جدول ۸. معناداری رابطه بین عوامل اجتماعی و روابط نسلی

	عوامل اجتماعی	روابط نسلی
عوامل اجتماعی	همبستگی پیرسون	.۷۱۹**
	سطح معناداری	.۰۰۰
	تعداد	۳۸۲
روابط نسلی	همبستگی پیرسون	.۷۱۹**
	سطح معناداری	.۰۰۰
	تعداد	۳۸۲

در بررسی فرضیه های جزئی نیز نتایج ذیل حاصل شد:

- بین پایگاه اجتماعی والدین و روابط نسلی رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون، مقدار همبستگی بین دو متغیر پایگاه اجتماعی والدین و روابط نسلی -0.60 با سطح معنی داری 0.243 (بیشتر از 0.05) می‌باشد؛ بنابراین بین دو متغیر پایگاه اجتماعی والدین و روابط نسلی رابطه معنادار وجود ندارد، در نتیجه فرض صفر (فرض استقلال دو متغیر) پذیرفته می‌شود. $[r=-0.60, p=0.243]$

جدول ۹. معناداری رابطه بین پایگاه اجتماعی والدین و روابط نسلی

		پایگاه اجتماعی والدین	روابط نسلی
پایگاه اجتماعی والدین	همبستگی پیرسون	۱	-0.60
	سطح معناداری		0.243
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲
روابط نسلی	همبستگی پیرسون	-0.60	۱
	سطح معناداری	0.243	
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲

- بین سبک زندگی و روابط نسلی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که مقدار همبستگی بین دو متغیر سبک زندگی و روابط نسلی 0.605 با سطح معنی داری 0.000 (کمتر از 0.05) می‌باشد؛ بنابراین بین دو متغیر سبک زندگی و روابط نسلی رابطه مثبت معنادار وجود دارد، در نتیجه فرض صفر (فرض استقلال دو متغیر) رد می‌شود. $[r=0.605, p=0.000]$

جدول ۱۰. معناداری رابطه بین سبک زندگی و روابط نسلی

		سبک زندگی	روابط نسلی
سبک زندگی	همبستگی پیرسون	۱	0.605^{**}
	سطح معناداری		0.000
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲
روابط نسلی	همبستگی پیرسون	0.605^{**}	۱
	سطح معناداری	0.000	
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲

- بین معاشرت با گروه همسالان و روابط نسلی رابطه معناداری وجود دارد.

براساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون، مقدار همبستگی بین دو متغیر معاشرت با گروه همسالان و روابط نسلی ۰.۲۹۳ با سطح معنی داری ۰.۰۰۰ (کمتر از ۰.۰۵) می باشد؛ بنابراین بین دو متغیر معاشرت با گروه همسالان و روابط نسلی رابطه مثبت معنادار وجود دارد، در نتیجه فرض صفر (فرض استقلال دو متغیر) رد می شود. [r=0.293, p=0.000]

جدول ۱۱. معناداری رابطه بین معاشرت با گروه همسالان و روابط نسلی

		معاشرت با گروه همسالان	روابط نسلی
معاشرت با گروه همسالان	همبستگی پیرسون	۱	.۲۹۳**
	سطح معناداری		.۰۰۰
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲
روابط نسلی	همبستگی پیرسون	.۲۹۳**	۱
	سطح معناداری	.۰۰۰	
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲

- بین محل زندگی و روابط نسلی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که مقدار همبستگی بین دو متغیر محل زندگی و روابط نسلی ۰.۲۲۰ با سطح معنی داری ۰.۰۰۰ (کمتر از ۰.۰۵) می باشد؛ بنابراین بین دو متغیر محل زندگی و روابط نسلی رابطه معنادار وجود دارد، در نتیجه فرض صفر (فرض استقلال دو متغیر) رد می شود. [r=0.220, p=0.000]

جدول ۱۲. معناداری رابطه بین محل زندگی و روابط نسلی

		محل زندگی	روابط نسلی
محل زندگی	همبستگی پیرسون	۱	.۲۲۰**
	سطح معناداری		.۰۰۰
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲
روابط نسلی	همبستگی پیرسون	.۲۲۰**	۱
	سطح معناداری	.۰۰۰	
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲

- بین ارتباط و تعامل درون خانواده و روابط نسلی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که مقدار همبستگی بین دو متغیر ارتباط و تعامل درون خانواده و روابط نسلی ۰.۶۸۵ با سطح معنی داری ۰.۰۰۰ (کمتر از ۰.۰۵) می باشد؛ بنابراین بین دو متغیر ارتباط و تعامل درون خانواده و روابط نسلی رابطه مثبت معنادار وجود دارد، در نتیجه فرض صفر (فرض استقلال دو متغیر) رد می شود. [r=0. 685, p= 0.000]

جدول ۱۳. معناداری رابطه بین ارتباط و تعامل درون خانواده و روابط نسلی

		ارتباط و تعامل درون خانواده	روابط نسلی
ارتباط و تعامل درون خانواده	همبستگی پیرسون	۱	۰.۶۸۵**
	سطح معناداری		۰.۰۰۰
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲
روابط نسلی	همبستگی پیرسون	۰.۶۸۵**	۱
	سطح معناداری		۰.۰۰۰
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲

تحلیل رگرسیون برای تبیین متغیر وابسته (روابط نسلی)

در رگرسیون چندمتغیره برای تبیین متغیر روابط نسلی ضریب همبستگی چندگانه $(R = 0.730)$ بدست آمد که بیانگر ۷۳ درصد همبستگی بین متغیرها می باشد. ضریب تعیین برابر با $(R^2 = 0.533)$ و ضریب تعیین تعدیل یافته برابر با $(R^2 = 0.527)$ تعدیل یافته) بدست آمد که نشان می دهد متغیرهای وارد شده به معادله تنها توانسته اند ۵۲ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند. معادله رگرسیونی خطای برآورد ۰.۲۶۳ را نشان می دهد. با توجه به سطح معنی داری رابطه حاصل شده از آزمون F (مقدار آماره F برابر ۸۵.۹۴۷ است) نیز می توان گفت حضور حداقل یکی از متغیرهای مربوطه در معادله معنی دار است. (سطح معنی داری ۰.۰۰۰)

جدول ۱۴. تحلیل رگرسیون برای تبیین متغیر وابسته (روابط نسلی)

Model	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	مقدار آماره F	سطح معناداری
□	۰.۷۳۰	۰.۵۳۳	۰.۵۲۷	۰.۲۶۳	۸۵.۹۴۷	۰.۰۰۰

جدول ۱۵. ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده روابط نسلی

متغیر	B	ضریب بتا استاندارد	t	سطح معناداری
ثابت	۱.۰۹۴		۱۰.۵۰۹	.۰۰۰
سبک زندگی	.۱۷۴	.۲۴۴	۴.۶۶۷	.۰۰۰
معاشرت با گروه همسالان	.۰۸۰	.۱۸۵	۵.۱۵۷	.۰۰۰
ارتباط و تعامل درون خانواده	.۲۹۲	.۴۷۸	۹.۳۹۶	.۰۰۰
پایگاه اجتماعی والدین	.۰۱۴	.۰۴۰	۱.۰۷۰	.۲۸۵
محل زندگی	.۰۲۳	.۰۳۱	۸۳۱	.۴۰۷

ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده روابط نسلی نیز نشان می دهد از میان ۵ متغیر وارد شده به معادله رگرسیون ۳ متغیر "سبک زندگی، معاشرت با گروه همسالان، ارتباط و تعامل درون خانواده رابطه معنی داری در معادله یافتند و متغیرهای پایگاه اجتماعی والدین و محل زندگی رابطه معنی داری در معادله ندارند.

با بررسی میزان بتاها می بینیم ارتباط و تعامل درون خانواده دارای بالاترین میزان بتای استاندارد ۰.۴۷۸ با سطح معنی داری ۰.۰۰۰ است (معنی داری در سطح ۰.۰۵) نسبت به سایر متغیرهای مستقل دارای بیشترین تأثیر بر روی متغیر وابسته می باشد. پس از آن متغیرهای: سبک زندگی با ضریب ۰.۲۴۴ و سطح معنی داری ۰.۰۰۰؛ معاشرت با گروه همسالان با ضریب ۰.۱۸۵ و سطح معنی داری ۰.۰۰۰ به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارند. با توجه به ضرایب بدست آمده، در مرحله بعد تأثیر متغیرهای مستقل سبک زندگی و معاشرت با گروه همسالان بر متغیر وابسته ارتباط و تعامل درون خانواده بررسی و تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای تبیین آن انجام می شود.

جدول ۱۶. تحلیل رگرسیون برای تبیین متغیر وابسته (ارتباط و تعامل درون خانواده)

Model	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	مقدار آماره F	سطح معناداری
	.۷۰۷	.۵۰۰	.۴۹۸	.۴۴۳	۱۸۹.۷۸۹	.۰۰۰۰

جدول ۱۷. ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده ارتباط و تعامل درون خانواده

متغیر	B	ضریب بتا استاندارد	t	سطح معناداری
-------	---	--------------------	---	--------------

ثابت	.۲۳۷		۱.۸۸۴	.۰۶۰
سبک زندگی	.۸۰۹	.۶۹۵	۱۸.۹۷۴	.۰۰۰
معاشرت با گروه همسالان	.۰۴۶	.۰۶۶	۱.۷۸۸	.۰۷۵

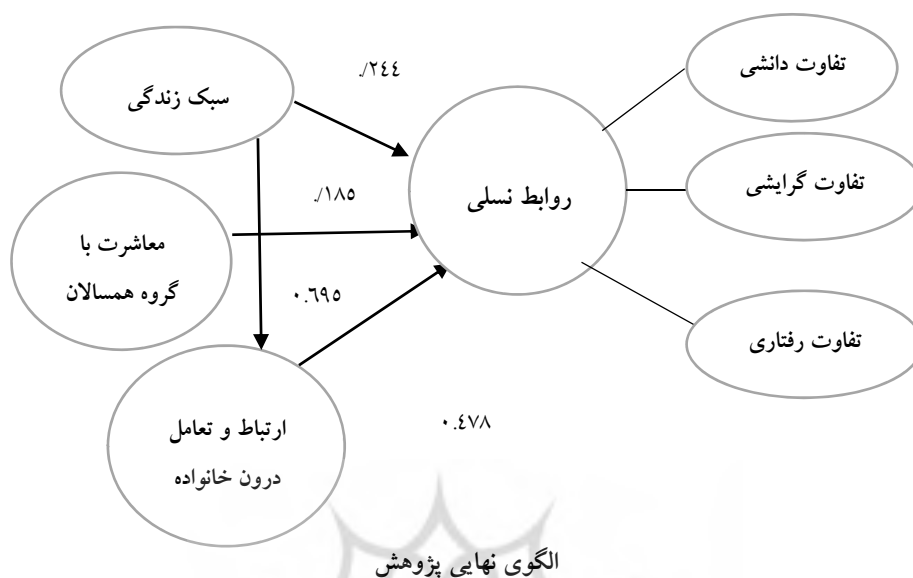
ضریب همبستگی چند گانه ($R = 0.707$) در آزمون تحلیل رگرسیون بیانگر آن است که بین متغیرها ۷۰ درصد همبستگی وجود دارد. ضریب تعیین ($R^2 = 0.500$) و ضریب تعیین تعدیل یافته ($R^2 = 0.498$) نیز نشان می‌دهد متغیرهای وارد شده به معادله ۴۹ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند. معادله رگرسیونی خطای برآورد ۰.۴۴۳ را نشان می‌دهد. نتیجه سطح معنی داری رابطه حاصل شده از آزمون F (مقدار آماره F برابر ۱۸۹.۷۸۹ است) نیز نشان می‌دهد حضور حداقل یکی از متغیرهای مربوطه در معادله معنی دار است. (سطح معنی داری ۰.۰۰۰) ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده ارتباط و تعامل درون خانواده نشان می‌دهد که از میان ۲ متغیر وارد شده به معادله رگرسیون تنها متغیر سبک زندگی با ضریب ۰.۶۹۵ و سطح معنی داری ۰.۰۰۰ (معنی داری در سطح ۰.۰۵) رابطه معنی داری در معادله یافته است.

بدین ترتیب نتیجه مربوط به انواع تأثیر مستقیم، تأثیر غیر مستقیم، هم مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به شرح ذیل تعیین گردید:

جدول ۱۸. ضرایب تحلیل مسیر

تأثیر کل	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر مستقیم	
۰.۵۷۴	۰.۳۳	۰.۲۴۴	سبک زندگی (به واسطه ارتباط و تعامل درون خانواده)
۰.۱۸۵	-	۰.۱۸۵	معاشرت با گروه همسالان
۰.۴۷۸	-	۰.۴۷۸	ارتباط و تعامل درون خانواده

براساس ضرایب بدست آمده همانگونه که مشاهده می‌گردد سبک زندگی به واسطه تأثیر مستقیم و غیرمستقیم (به واسطه ارتباط و تعامل درون خانواده) با ضریب کل ۰.۵۷۴ و پس از آن ارتباط و تعامل درون خانواده با ضریب کل ۰.۴۷۸ بیشترین تأثیر را بر متغیر روابط نسلی دارد.



۹. نتیجه گیری

در حال حاضر هم گام با پدیده جهانی شدن و رخدادهای اجتماعی و اقتصادی روابط نسل‌ها دستخوش دگرگونی شده است. یکی از معضلات کلیدی و مهمی که اینک جامعه ایران با آن روبروست، عدم برقراری رابطه و تعامل منطقی میان نسل‌های مختلف است که می‌تواند زمینه‌ساز بروز مشکلات و بحران‌ها گردد، در واقع فاصله بین نسل‌ها و عدم تعامل منطقی بین آن‌ها، از جمله چالش‌ها و دغدغه‌هایی است که همیشه وجود داشته اما به دلایل مختلفی شاهد رشد بیش از پیش این فاصله و عدم توجه کافی به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و عدم تعامل مناسب بین فرزندان (نسل جدید) و والدین (نسل گذشته) هستیم. جوانان امروز از لحاظ کنش‌های اجتماعی با نسل‌های دیگر متفاوت هستند، دگرگونی‌هایی که فرصت هنجاری شدن و انطباق با شرایط جدید را محدود کرده و در بسیاری از موارد، امکان تصمیم‌گیری مناسب را فراهم نمی‌آورد.

با عنایت به مراتب فوق و از آنجاکه دختران جوان تربیت‌کنندگان نسل فردا می‌باشند، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر عوامل اجتماعی (با شاخص‌های سبک زندگی، معاشرت با گروه همسالان و ارتباط و تعامل درون خانواده) بر روابط نسلی از دیدگاه دانشجویان دختر انجام شده است.

براساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون مقدار همبستگی بین دو متغیر عوامل اجتماعی و روابط نسلی ۰.۷۱۹ بدست آمد. با توجه به یافته‌ها فرضیه اصلی پژوهش تأیید شد و از میان فرضیه‌های جزئی فرضیه رابطه پایگاه اجتماعی خانواده و روابط نسلی تأیید نگردید. درخصوص متغیرهای: سبک زندگی، معاشرت با گروه همسالان و متغیر ارتباط و تعامل درون خانواده در جامعه نمونه ملاحظه شد: "اکثریت جمعیت نمونه از نظر سبک زندگی، معاشرت با گروه همسالان در سطح متوسط و در خصوص متغیر ارتباط و تعامل درون خانواده اکثریت جمعیت نمونه در سطح زیاد می باشد." نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که مقدار همبستگی بین دو متغیر سبک زندگی و روابط نسلی ۰.۶۰۵ با معنی داری ۰.۰۰۰؛ مقدار همبستگی برای دو متغیر معاشرت با گروه همسالان و روابط نسلی ۰.۲۹۳ با معنی داری ۰.۰۰۰ و مقدار همبستگی بین دو متغیر ارتباط و تعامل درون خانواده و روابط نسلی ۰.۶۸۵ با معنی داری ۰.۰۰۰ است که بیانگر رابطه مثبت معنادار بین متغیرها می باشد.

همچنین نتایج نشان می دهد که گروه مرجع دختران جوان تحت تأثیر فردگرایی در نسل جوان تفاوت‌هایی با نسل‌های قبل دارد و به دلیل رشد فردگرایی آنان گرایش دارند که اوقات فراغت خود را با همسالان بگذرانند. علاوه براین تغییراتی به لحاظ میزان و سطوح رابطه در میان نسل کنونی نسبت به نسل قبل رخ داده است. تغییراتی که ناشی از افزایش جمعیت دختران جوان در مقاطع تحصیلی دانشگاهی، افزایش حضور زنان و دختران در فعالیتهای اجتماعی، افزایش فضاهای مجازی و تسهیل کننده ارتباطات، تغییر نگرش دختران جوان امروزی به سطح روابط و می باشد.

بنابراین تأثیر متغیر روابط با همسالان در روابط نسلی با نظریه بنگستون که در بخش نظری به آن پرداخته شد، هماهنگی دارد. نتایج این پژوهش نیز نشان می دهد متغیر معاشرت با گروه همسالان علاوه بر تأثیر مستقیم از طریق غیرمستقیم نیز به واسطه ارتباط و تعامل درون خانواده و سبک زندگی پس از سبک زندگی و ارتباط و تعامل درون خانواده بیشترین تأثیر را بر روی متغیر وابسته روابط نسلی دارد.

همچنین اکثریت جمعیت نمونه از نظر متغیرهای تفاوت دانشی (تعداد ۳۲۳ نفر با ۸۴.۶ درصد)؛ تفاوت گرایشی (تعداد ۳۷۰ نفر با ۹۶.۹ درصد) و تفاوت رفتاری (تعداد ۲۲۳ نفر با ۵۸.۴ درصد) در سطح متوسط می باشند که می تواند حاصل ورود فناوریهای جدید به

خانواده‌ها باشد به عبارتی مبانی ورود گزاره‌های ارزشی به خانواده تغییر یافته که باعث تفاوت نظام ارزشی دختران جوان با والدین آنها شده است. (تطابق با نظریه مک لوهان)

با روند پیشرفت اطلاعات و ارتباطات هر نسلی نسبت به نسل پیشین خود بیشتر در معرض اطلاعات و آگاهی‌های جدید می‌باشد و همین نوعی تفاوت میان دو نسل را بوجود می‌آورد. در دوره کنونی که سرعت تبادل اطلاعات بالاتر رفته و ما با تعدد منابع اطلاع رسانی مواجهیم، اعضای جامعه یک منبع اطلاع رسانی (از نظر طرز فکر، سبک زندگی و ...) می‌باشند. رسانه‌های جدید این امکان را به جوانان داده‌اند که از اخبار و اطلاعات سراسر جهان مطلع شوند و مدرنیته مانند گردونه‌ای که روز به روز این شبکه آگاهی بخش جهانی را گسترده‌تر می‌کند، افراد را در معرض این اطلاعات قرار می‌دهد.

امروزه در اغلب خانواده‌ها دختران جوان تحت تأثیر جهانی شدن بوده و در مسیر پیشرفت جهانی علم گام برداشته و دانش آنها بیش از والدینشان است، اگر والدین در راستای ارتقای اطلاعات علمی و عمومی خود گام برندارند و لزوم این تغییرات را نپذیرند طیف روابط نسلی از تفاوت تا شکاف در خانواده‌های مختلف متغیر خواهد بود. (همسویی با نظریه جهانی شدن گیدنز)

آشنایی با نحوه‌های متفاوت گذران زندگی که از طرق مختلف حاصل می‌شود (مانند رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و ...) اغلب برای دختران جوان جذاب است و تمایل آنان را برای تجربه در این زمینه‌های متفاوت افزایش داده و این امر می‌تواند سرچشمه چالش‌های فرد با خودش، خانواده و جامعه بزرگتر باشد. خانواده، مدرسه، دانشگاه، رسانه‌های جمعی و ... منابعی هستند که می‌توانند برچالش‌های روابط نسلی تأثیر بگذارند و بسته به نوع آگاهی و جامعه پذیری که برای القاء به فرد در نظر می‌گیرند نقشی متغیر داشته باشند.

در مقوله تفاوت ارزشی و گرایشی براساس نظر رونالد اینگلهارت می‌توان گفت تفاوت جوانان و بزرگسالان به خاطر تفاوت زمانه و شرایط جامعه پذیری آنهاست و با افزایش سن، تفاوت دو نسل کم و بیش باقی می‌ماند؛ اینگلهارت با طرح آثار گروه سنی سعی در طرح مسئله دگرگونی ارزشی و فرهنگی از خلال جایگزینی نسلی دارد. براین اساس، می‌توان گفت جوانانی که امروزه گرایش به ارزش‌های دینی در آنها سست تر از بزرگترهاست، پس از گذران جوانی و با جایگزینی به جای نسل بزرگسال کنونی، می‌توانند باز هم گرایش‌های ضعیف‌تری نسبت به نسل قبلی خود داشته باشند.

بر اساس نتایج رگرسیون چندمتغیره ملاحظه گردید بالاترین میزان اثرگذاری بر متغیر روابط نسلی از سوی متغیرهای سبک زندگی و ارتباط و تعامل درون خانواده است؛ بنابراین با توجه به اینکه در اکثریت جامعه نمونه میزان متغیرهای فوق الذکر به ترتیب در سطح متوسط و زیاد بدست آمد؛ بنابراین روابط نسلی از نوع تفاوت نسلی ارزیابی می‌گردد.

بر اساس یافته‌های کلی می‌توان نتیجه گرفت که در تبیین تفاوت بین نسل‌ها در سطح خرد دگرگونی در ویژگی شخصیتی دختران جوان به لحاظ نوگرایی، سنت‌شکنی، فردگرایی، جمع‌گرایی رخ داده و شاهد ظهور نوعی تحول کیفی در نسل جدید نسبت به نسل قبلی هستیم که خود موجب شکل‌گیری رویکردهای مختلفی در مورد تغییرات نسلی شده است. در سطح میانی نیز تحولاتی به لحاظ فرآیندهای اجتماعی چون جامعه‌پذیری و تعلیم و تربیت تحقق پیدا کرده است. بنابراین در جامعه شاهد تغییرات هستیم و دختران جوان نسل تحول‌گرا و تغییرطلب می‌باشند. بدیهی است نقش خانواده به عنوان عاملی مداخله‌گر در مدیریت و کاهش تضاد نسلی بر پایه وجود روابط تعریف شده میان والدین و فرزندان موثر می‌باشد.

با توجه به درحال گذار بودن جامعه و به چالش طلبیده شدن نظم سنتی، والدین و فرزندان هر دو باید مراقب جوانب و پیامدهای این جریان عظیم تغییر و تحول باشند. هنگامی که از تفاوت نسل‌ها می‌گوییم سویه دیگر قضیه به جز جوانان، نسل‌های پیرتر جامعه هستند، پس اگر بخواهیم برنامه‌ریزی کنیم قاعدتاً باید به جز جوانان نسل‌های دیگر را هم هدف قرار دهیم، در چنین برنامه‌هایی مسن‌ترها باید قانع شوند که تا حدودی آرام‌تر با پدیده‌های مبتلابه جوانان برخورد کنند، چرا که برخوردهای تند به طور کامل می‌تواند آنها را از مسیر اصلی زندگی دور کند. در عین حال مدیران و برنامه‌ریزان نیز باید خود نگاه واقعی و متعادلی داشته باشند و در نوع برنامه‌ریزی‌ها (برای تعدیل تفاوت نسلی) بهتر است تعدیل صورت پذیرد.

کتابنامه

کتاب‌ها

اینگلهارت، رونالد. ۱۳۷۳. "تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی"، ترجمه: مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.

تأثیر عوامل اجتماعی بر روابط نسلی از دیدگاه دانشجویان دختر ۱۵۹

اوپنهایم، ا. ان. ۱۳۶۹. "طرح پرسشنامه و سنجش نگرش‌ها"، ترجمه: مرضیه کریم‌نیا، تهران: بوردیو، پیترو. ۱۳۸۸. "درسی درباره درس"، ترجمه، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی. جانسون، چالمرز. ۱۳۶۱. "تحول انقلابی"، ترجمه: حمید الیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر. دورکیم، امیل. ۱۳۶۵. "تقسیم کار اجتماعی"، ترجمه باقر پرهام، کتابسرای بابل، چاپ اول. رابرتسون، یان. ۱۳۷۴. "درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی)"، ترجمه: حسین بهروان، مشهد: نشر آستان قدس رضوی، چاپ دوم. گولد، جولویوس. ۱۳۷۶. "فرهنگ علوم اجتماعی"، ترجمه: محمد جواد زاهدی، تهران: انتشارات مازیار. گیدنز، آنتونی. ۱۳۷۹. "تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید"، ترجمه، ناصر موفقیان، تهران: نشر نی. مانهایم، کارل. ۱۳۸۰. "ایدئولوژی و اتوپیا"، ترجمه، فریبرز مجیدی، تهران: سمت.

مقاله‌ها

آزاد ارمکی، تقی؛ زند، مهناز و خزایی، طاهره. ۱۳۸۲. "روند تغییرات فرهنگی و اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل"، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵، صص ۲۴-۱.

آزاد ارمکی، تقی. ۱۳۸۳. "رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی"، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: نشر آگاه.

احمدی، یعقوب و بی‌تا حامد. ۱۳۹۰. "سنجش وضعیت تفاوت نسل‌ها در ایزه‌های فرهنگی، اجتماعی (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)، جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۲، شماره ۲.

دانش، پروانه؛ زهرا ذاکری نصرآبادی و عظیمه سادات عبداللهی. ۱۳۹۳. "تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران، جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره سوم، پاییز، صص ۳۰-۱.

ربانی، علی، عاطفه محمدزاده یزد. ۱۳۹۲. "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی ارزشی در منطقه ۹ شهرداری مشهد با تأکید بر ارزش‌های دینی"، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان، صص ۱۱۶-۹۳.

ساروخانی، باقر و صداقتی فرد، مجتبی. ۱۳۸۸. شکاف نسلی در خانواده ایرانی. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۴، صص ۷-۳۱.

سفیری، خدیجه و سیده عقیله محمدی. ۱۳۸۴. "هویت جنسیتی مادران و دختران، شکاف یا تفاوت؟"، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار.

فاضلی، محمد. ۱۳۸۲. "مصرف و سبک زندگی"، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

کفاشی، مجید. ۱۳۹۴. "عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر شکاف نسلی جوانان شهر تهران"، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، سال ششم، شماره اول بهار.

پایان نامه‌ها

جولانی، شمسی. ۱۳۹۳. "بررسی مردم شناختی شکاف نسلی نزد مادران و دختران با تکیه بر رویکرد مارگرت مید (مطالعه موردی منطقه ۵ تهران و شهرستان اسلامشهر"، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.

- Bengston, V. L. (1970) "The Generation Gap: A Reviw and Typology of Social Psychological Perspective", *Youth and Society*, 2 7 – 32.
- Bourdio, Pierre (1984) "Questions De Sociology"; Les Editions Deminunit 7; rueBernard palissy; paris.
- Dennis, Jessica, Tatiana Basañez, and Anahita Farahmand, (2010), Intergenerational Conflicts Among Latinos in Early Adulthood: Separating Values Conflicts With Parents From AcculturationConflictsH.ispanicJournal of Behavioral Sciences, 32(1) , 118–135
- Farahmand, M. and karimi Monjamoei, Y. (2016). "The Globalization of Culture and Social Identity Reflexivity", *Journal of Fundamental and Applied Sciences*, 8(2s), 1268-1286.
- Jacobsen, R. Brooke and Kenneth J. Berry and Keith F. Olson (1975) "An Empirical Test of the Generation Gap: A comparative Intrafamily Study", *Journal of Marriage and The Family*
- Manhaiem, k (1952) "problems of generations", in *Essay in the Sociology of Knowlegde*, London: Routlegde and Kegan Paul, pp.276-322.
- McLuhan, Marshall. (1962) "The Gutenberg Galaxy", Toronto: University of Toronto.
- Miller, Brian J. Peter Munday and Jonathan P. Hill, (2013). *Faith in the Age of Facebook: Exploring the Links between Religion and Social Network Site Membership and Use*, at University of Notre Dame on January 4.
- Schonpflug, Ute (2001) "Intergenerational Transmission of Values: The Role of Transmission Belts", *Journal of Cross-Cultural Psychology*, vol32, no 2.
- Voas, David & Crockett, Alasdair, (2005), *Religion in Britain: Neither nor Belonging*, British Sociological Association, Vol 39 (1): 11-28.
- Wehmeier, sally and ashbly, Michael, (2000), *oxford advanced learners dictionary (sixthedition)*,oxford university press
- Zhang, Y. B. (2007) "Initiating Factors of Chinese, Intergenerational Conflict: YoungAdults, Written Accounts", *Journal of Cross-cultural Gerontology*, Vol. 19.